کتاب برگزیدهٔ سال ۸۲

پیام امام

امیرالمؤمنین (علیه السلام)

شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه

جلد پانزدهم

آیت الله العظمیٰ مکارم شیرازی
با همکاری جمعی از علما و دانشمندان
حوزهٔ علمیّهٔ قم

۳۹۹

إِنَّ لِلْوَلَدِ عَلَى ٱلْوَالِدِ حَقّاً، وَ إِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ حَقّاً. فَحَقُّ ٱلْوَالِدِ عَلَى ٱلْوَلَدِ أَنْ يُطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ، إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ ٱللّٰهِ سُبْحَانَهُ؛ وَحَقُّ ٱلْوَلَدِ عَلَى ٱلْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ ٱسْمَهُ، وَيُحَسِّنَ أَدَبَهُ وَ يُعَلِّمَهُ ٱلْقُرْآنَ.[1]

امام علیه السلام فرمود:

فرزند بر پدر حقی دارد و پدر را نیز بر فرزند حقی است. حق پدر بر فرزندان این است که در همه چیز جز در معصیت خداوند سبحان از او اطاعت کنند و حق فرزند بر پدر این است که نام نیک بر او بگذارد و او را به‌خوبی ادب آموزد (و تربیت کند) و قرآن را به او تعلیم دهد.

---

۱. سند گفتار حکیمانه:

راغب اصفهانی در محاضرات الادباء شبیه این کلام را نقل کرده است. (مصادر نهج‌البلاغه، ج ۴، ص ۲۸۵).

شرح و تفسیر

حقوق متقابل پدر و فرزند

امام(علیه السلام) در این گفتار حکیمانه به بخشی از حقوق پدران بر فرزندان و حقوق فرزندان بر پدران اشاره می‌کند. برای حق پدر بر فرزند، تنها یک مورد را بیان می‌فرماید و برای حق فرزند بر پدر سه مورد، می‌فرماید: «فرزند را بر پدر حقی است و پدر را نیز بر فرزند حقی»؛ (**إِنَّ لِلْوَلَدِ عَلَى ٱلْوَالِدِ حَقّاً، وَ إِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ حَقّاً**).

سپس درمورد حق پدر بر فرزند چنین می‌فرماید: «حق پدر بر فرزندان این است که در همه چیز جز در معصیت خداوند سبحان از وی اطاعت کنند»؛ (**فَحَقُّ ٱلْوَالِدِ عَلَى ٱلْوَلَدِ أَنْ يُطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ، إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ ٱللّٰهِ سُبْحَانَهُ**).

ظاهر این است که حقی را که امام(علیه السلام) به این گستردگی دربارهٔ پدران فرموده اعم از واجب و مستحب است و به تعبیر دیگر، در مواردی اطاعت واجب است و آن جایی است که اگر ترک کند سبب اذیت و آزار می‌شود و منجر به عقوق پدر می‌گردد اما مواردی هست که اگر اطاعت نکند پدر اذیت نمی‌شود. در این‌جا مستحب است که فرزند به امر پدر احترام بگذارد و اطاعت کند.

البته گاهی مسائل سرنوشت‌سازی است که اگر پسر بخواهد از پدر اطاعت کند گرفتار خسارت عظیمی می‌شود هرچند داخل در عنوان معصیت نیست. مثلاً پدر از عروس خود ناراحت باشد و به فرزند دستور دهد که همسرت را

طلاق بده و یا این‌که پسر تجارت پرسودی با شریکی دارد و پـدر از شـریک ناراحت باشد و به پسر بگوید که به شراکت خود خاتمه بده.

در این‌گونه موارد دلیلی بر وجوب اطاعت پدر هرچند معصیت خدا نیست، نداریم. زیرا اطلاقات ادله از این‌گونه مصادیق منصرف است و بیشتر ناظر بـه احترام پدر در مسائل مورد نیاز او یا مرتبط با اوست.

البته مسألهٔ احترام به پدر و برخورد خاضعانه و متواضعانه با او و مصاحبت به معروف هرچند مسلمان نباشد مسألهٔ جداگانه‌ای است که در آیات قرآن به آن اشاره شده است آن‌جا که می‌فرماید: «﴿**وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَّبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيراً**﴾؛ و بال‌های تواضع خویش را از محبّت و لطف، در برابر آنان فرود آر! و بگو: «پروردگارا! همان‌گونه که آن‌ها مـرا در کـوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده!».[1]

و در سورهٔ لقمان می‌فرماید: «﴿**وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلى أَنْ تُشْرِكَ بِى مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِى الدُّنْيَا مَعْرُوفاً**﴾؛ و هرگاه آن دو، تلاش کنند که تو چیزی را همتای من قرار دهی، که از آن آگاهی نداری (بـلکه مـی‌دانـی بـاطل است)، از ایشان اطاعت مکن، ولی با آن دو در دنیا به‌طرز شایسته‌ای رفتار کن».[2]

این آیات و مانند آن که در قرآن مجید آمده به خوبی نشان می‌دهد که تا چه حد حق پدر و مادر زیاد است و تا چه‌اندازه احترام آن‌ها بر فرزندان لازم می‌باشد.

سپس امام علیه السلام به‌سراغ حقوق سه‌گانهٔ فرزند بر پدر رفته، می‌فرماید: «و حق فرزند بر پدر آن است که نام نیک بر او نهد و ادب و تربیتش را به خوبی انجام دهد و قرآن را به او بیاموزد»؛ (**وَ حَقُّ ٱلْوَلَدِ عَلَى ٱلْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ ٱسْمَهُ، وَ يُحَسِّنَ أَدَبَهُ وَ يُعَلِّمَهُ ٱلْقُرْآنَ**).

---

۱. اسراء، آیهٔ ۲۴.
۲. لقمان، آیهٔ ۱۵.

نامگذاری ممکن است در نظر بعضی، امر ساده‌ای باشد در حالی که چنین نیست. نام، چیزی است که هر روز بارها انسان با آن مخاطب می‌شود و طبعاً اثر تلقینی دارد. اگر به فرض، پدر نام «ظالم» بر پسر بگذارد و هر روز او را به این نام خطاب کنند اگر روح ستمگری بر او غالب شود جای تعجب نیست.

و به عکس اگر نام محسن و حسن یا حسین بر او نهند و همواره آن را در خطابات تکرار کنند حقیقت نیکوکاری به‌تدریج در او راسخ می‌شود.

همچنین نام عبدالله و عبدالرحیم و عبدالرحمان که همگی حکایت از عبودیت انسان در برابر خدا دارد.

در روایات اسلامی نیز دربارهٔ نامگذاری دقت زیادی شده است حتی در روایتی داریم که اگر نام زشتی بر انسان‌ها و یا حتی شهرها گذاشته شده آن را تغییر دهید: «**كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يغَيرُ الأَسْمَاءَ الْقَبِيحَةَ فِي الرِّجَالِ وَ الْبُلْدَانِ**؛ پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله اسماء زشتی را که بر مردان و شهرها گذاشته بودند تغییر می‌داد»[1] و به یقین کار پیغمبر صلى الله عليه وآله برای ما الگو و اسوه است.

حتی از روایات استفاده می‌شود که برای فرزندان قبل از تولد اسم انتخاب شود و از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده که فرمود: «**سَمُّوا أَوْلَادَكُمْ فَإِنْ لَمْ تَدْرُوا أَ ذَكَرٌ أَوْ أُنْثَى فَسَمُّوهُمْ بِالأَسْمَاءِ الَّتِي تَكُونُ لِلذَّكَرِ وَ الْأُنْثَى فَإِنَّ أَسْقَاطَكُمْ إِذَا لَقُوكُمْ فِي الْقِيامَةِ وَ لَمْ تُسَمُّوهُمْ يقُولُ السِّقْطُ لِأَبِيهِ أَلَّا سَمَّيتَنِي وَ قَدْ سَمَّى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مُحَسِّناً قَبْلَ أَنْ يولَدَ**؛ برای فرزندانتان نام انتخاب کنید (حتی پیش از تولد) و اگر نمی‌دانید پسر است یا دختر برای آن‌ها نام‌هایی انتخاب کنید که هم می‌توان آن‌ها را بر پسر گذاشت و هم دختر زیرا فرزندانی از شما که سقط می‌شوند هنگامی که روز قیامت با شما ملاقات می‌کنند و نامی برای آن‌ها انتخاب نکرده‌اید به پدرش می‌گوید: چرا نامی بر من نگذاشتی در حالی که رسول خدا صلى الله عليه وآله نام محسن را

---

۱. بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۲۷، ح ۴.

(برای فرزند حضرت فاطمۀ زهرا علیهاالسلام) انتخاب کرد پیش از متولد شدنش».[۱]
عجب این‌که عرب در عصر جاهلیت و حتی بعد از آن نیز نام‌های خشن برای فرزندانش انتخاب می‌کرد مانند کلب (سگ) و نمر (پلنگ) و فهد (یوزپلنگ) و امثال آن.

در حدیثی از امام رضا علیه‌السلام می‌خوانیم: این انتخاب به‌دلیل این بود که دشمنان را به‌وسیلۀ آن بترسانند و به عکس، نام غلامان خود را مبارک و میمون و امثال آن می‌گذاشتند.[۲]

از بعضی از روایات استفاده می‌شود که هرگاه نام‌های بسیار خوبی مانند نام محمّد برای فرزند خود انتخاب کردید احترام بیشتری به فرزند بگذارید. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «**إِذَا سَمَّيْتُمُ الْوَلَدَ مُحَمَّداً فَأَكْرِمُوهُ وَ أَوْسِعُوا لَهُ فِي الْمَجْلِسِ وَ لَا تُقَبِّحُوا لَهُ وَجْهاً**؛ هنگامی که فرزند خود را محمّد نام نهادید او را گرامی دارید و در مجالس به آن‌ها جای دهید و چهرۀ خود را در مقابل آن‌ها درهم نکشید».[۳]

و اما مسألۀ تعلیم و تربیت: امام علیه‌السلام تربیت را مقدم داشته و همگان را سفارش می‌کند که فرزندان را به خوبی تربیت کنند و ادب بیاموزند.

می‌دانیم که روح و ذهن انسان در کودکی بسیار تأثیرپذیر است و طبق حدیث معروف، علم در «صغر» همچون نقش بر «حجر» است و بسیار پررنگ و پردوام خواهد بود. ازاین‌رو اگر پدر و مادر در تعلیم و تربیت فرزند کوتاهی کنند خسارت عظیمی، هم دامان پدر و مادر را می‌گیرد و هم فرزند را، به‌خصوص اگر وسوسه‌های شیطانی بر فرزند غلبه کند یا افراد ناباب یا رسانه‌های آلوده با آن‌ها ارتباط برقرار کنند و تعلیمات زشت و ناپسند خود را در روح کودک فرو ریزند.

به همین دلیل در نامه‌ای که امام علیه‌السلام به فرزند دلبندش امام حسن علیه‌السلام نوشت

---
۱. بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۲۸، ح ۶.
۲. همان، ح ۷.
۳. همان، ح ۸.

و آنچه خیر دنیا و آخرت در آن است در آن نامه ریخت و به فرزندش هدیه کرد می‌خوانیم: پسرم! چون احساس کردم به سن پیری رسیده‌ام و قوایم رو به سستی نهاده به این وصیت مبادرت ورزیدم و بخش‌هایی از آن را برای تو بیان کردم مبادا اجلم فرا رسد در حالی که آنچه در درون سینه داشته‌ام بیان نکرده باشم... ازاین‌رو پیش از آن‌که هوی و هوس و فتنه‌های دنیا به تو هجوم آورد و همچون مرکبی سرکش شوی، به تعلیم و تربیت تو روی آوردم زیرا «**إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِي فِيهَا مِنْ شَيءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يقْسُوَ قَلْبُكَ وَيشْتَغِلَ لُبُّك**؛ قلب جوان همچون زمین خالی است و هر بذری در آن بیفشانند آن را می‌پذیرد. به همین دلیل پیش از آن‌که قلبت قساوت یابد و فکرت به امور دیگر مشغول گردد (گفتنی‌ها را گفتم)».[1]

این مطلب پیش از همه از رسول خدا(ص) شنیده شده است که فرمود: «**مَنْ تَعَلَّمَ فِي شَبَابِهِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الرَّسْمِ فِي الْحَجَرِ وَ مَنْ تَعَلَّمَ وَ هُوَ كَبِيرٌ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الْكِتَابِ عَلَى وَجْهِ الْمَاءِ**؛ کسی که در جوانی (و نوجوانی) چیزی را فراگیرد همچون مطلبی است که بر سنگ ترسیم می‌شود و کسی که در بزرگسالی چیزی را فراگیرد همچون نقشی است که برآب زنند».[2]

سپس امام(ع) از میان تمام آداب و تعلیمات به تعلیم قرآن توجه کرده و بر آن تأکید می‌کند. چرا که قرآن مجموعهٔ بی‌نظیری است که تمام درس‌های زندگی مادی و معنوی در آن جمع است. توحید و معاد به‌صورت گسترده در آن تجلی می‌کند، بخش مهم احکام الهی در آن بیان شده و دستورات اخلاقی‌اش فوق‌العاده مؤثر و پربار است و تاریخ عبرت‌انگیز انبیاء پیشین نیز در جای‌جای آن دیده می‌شود. آری باید قبل از هرچیز به فرزندان قرآن تعلیم داد.

---

۱. نهج‌البلاغه، نامهٔ ۳۱

۲. بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۲، ح ۶.

به همین دلیل در حدیثی از رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله می‌خوانیم: «**وَ مَنْ عَلَّمَهُ الْقُرْآنَ دُعِيَ بِالْأَبَوَينِ فَيكْسَيانِ حُلَّتَينِ يضِيءُ مِنْ نُورِهِمَا وُجُوهُ أَهْلِ الْجَنَّةِ**؛ کسی که به فرزندش قرآن تعلیم دهد او و همسرش (پدر و مادر آن فرزند) را در روز قیامت می‌آورند و دو لباس فاخر نورانی بر آن‌ها می‌پوشانند که از نور آن‌ها صورت بهشتیان روشن می‌شود».[1]

در حدیثی از اصبغ بن نباته می‌خوانیم که می‌گوید: امیرمؤمنان علی علیه‌السلام فرمود: «**إِنَّ اللَّهَ لَيهُمُّ بِعَذَابِ أَهْلِ الْأَرْضِ جَمِيعاً حَتَّى لَا يحَاشِي مِنْهُمْ أَحَداً إِذَا عَمِلُوا بِالْمَعَاصِي وَ اجْتَرَحُوا السَّيئَاتِ فَإِذَا نَظَرَ إِلَى الشِّيبِ نَاقِلِي أَقْدَامِهِمْ إِلَى الصَّلَوَاتِ وَالْوِلْدَانِ يتَعَلَّمُونَ الْقُرْآنَ رَحِمَهُمْ فَأَخَّرَ ذَلِكَ عَنْهُمْ**؛ خداوند گاه اراده می‌کند همهٔ اهل زمین را هلاک کند و یک نفر را باقی نگذارد و این در زمانی است که غرق گناهان می‌شوند و آلودهٔ انواع معاصی. هرگاه در این زمان پیرمردانی را ببیند که (لنگان لنگان) به‌سوی نماز (در مسجد) گام برمی‌دارند و کودکانی که مشغول فراگرفتن قرآن‌اند به آن‌ها رحم می‌کند و عذابشان را به تأخیر می‌اندازد».[2]

این نکته نیز حائز اهمیت است که همان‌گونه که فرزندان براثر عدم ادای حق پدران و مادران، عاق پدر و مادر می‌شوند پدر و مادر نیز براثر عدم ادای حق فرزندان عاق فرزندان خواهند شد همان‌گونه که در حدیثی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آمده است: «**يلْزَمُ الْوَالِدَينِ مِنَ الْعُقُوقِ لِوَلَدِهِمَا مَا يلْزَمُ الْوَلَدَ لَهُمَا مِنْ عُقُوقِهِمَا**».[3]

نکته‌ها

۱. چه حقوقی پدر و مادر بر فرزندان دارند؟

آنچه در این کلام حکیمانهٔ امام علیه‌السلام آمد درواقع اشاره به مهمترین حقوق

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۹، ح ۱.
۲. وسائل‌الشیعه، ج ۴، ص ۸۳۵، ح ۲.
۳. کافی، ج ۶، ص ۴۸، ح ۵.

پدران و مادران بر فرزندان است و در روایات اسلامی حقوق متعدد دیگری نیز برای آن‌ها ذکر شده است ازجمله:

۱. هیچ‌گاه پدر را با نام خطاب نکند. بلکه بگوید «یا ابتاه؛ پدر جان» زیرا خطاب بزرگ تر با اسم توسط کوچکتر، خلاف آداب است.

۲. به‌هنگام راه رفتن از او جلوتر نرود.

۳. به‌هنگام ورود در مجلس پیش از او ننشیند.

۴. کاری نکند که مردم پدرش را دشنام دهند یا لعن کنند.

این چهار موضوع در حدیثی از رسول خدا(ص) در پاسخ سؤالی دربارهٔ حق پدر بر فرزند ذکر شده است؛ (**لَا یسَمِّیهِ بِاسْمِهِ وَ لَا یمْشِی بَینَ یدَیهِ وَ لَا یجْلِسُ قَبْلَهُ وَ لَا یسْتَسِبُّ لَهُ**).[1]

«یستسب» از مادهٔ «سب» به معنای طلب کردن سب و دشنام و لعن برای کسی است.

۵. هنگامی که پدر عصبانی می‌شود عکس‌العمل نشان ندهد و تواضع و خشوع کند. همان‌گونه که در حدیثی از رسول خدا(ص) نقل شده است: «**مِنْ حَقِّ الْوالِدِ عَلی وَلَدِهِ أن یخشَعَ له عند الغَضَبِ**».[2]

۶. تشکر کردن در هر حال و خیرخواه آن‌ها بودن در آشکار و پنهان. امام صادق(ع) می‌فرماید: «**یجِبُ لِلْوَالِدَینِ عَلَی الْوَلَدِ ثَلَاثَةُ أَشْیاءَ شُکْرُهُمَا عَلَی کُلِّ حَالٍ ... وَ نَصِیحَتُهُمَا فِی السِّرِّ وَ الْعَلَانِیة**».[3]

۷. توجه به این نکته که پدر (و مادر) اصل و ریشهٔ انسان هستند. بنابراین هرگاه امتیازی در خود ببیند باید بداند اساس این نعمت از آن‌هاست پس خدا را شکرگزاری کند. (**فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ أَصْلُكَ وَ أَنَّهُ لَوْلَاهُ لَمْ تَكُنْ فَمَهْمَا رَأَيتَ فِی نَفْسِكَ**

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۵۸، ح ۵.
۲. کنزالعمال، ح ۴۵۵۱۲ (بنا به نقل میزان الحکمة).
۳. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۶، ح ۱۰۷

مِمَّا يعْجِبُكَ فَاعْلَمْ أَنَّ أَبَاكَ أَصْلُ النِّعْمَةِ عَلَيكَ فِيهِ فَاحْمَدِ اللَّهَ وَ اشْكُرْهُ عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ».[۱] و شاید به همین دلیل خداوند شکرگزاری در برابر پدر و مادر را به‌دنبال شکرگزاری نعمت‌های خود ذکر کرده است: ﴿**أَنِ اشْكُرْ لِى وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ**﴾.[۲]

۸. احسان و نیکی به پدر و مادر. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که بعضی از یاران آن حضرت دربارهٔ تفسیر آیهٔ شریفهٔ ﴿**وَبِالْوالِدَينِ إِحْساناً**﴾[۳] سؤال کردند که مراد از احسان چیست؟ امام علیه السلام فرمود: «**الْإِحْسَانُ أَنْ تُحْسِنَ صُحْبَتَهُمَا وَأَنْ لَا تُكَلِّفَهُمَا أَنْ يسْأَلَاكَ شَيئاً مِمَّا يحْتَاجَانِ إِلَيهِ وَ إِنْ كَانَا مُسْتَغْنِيين**؛ برخورد خود را با آن‌ها نیکو کن و اگر چیزی نیاز داشتند پیش از آن‌که از تو بخواهند برای آن‌ها فراهم کن تا ناچار نشوند از تو درخواست کنند هر چند خودشان هم بتوانند مشکل خویش را حل کنند».[۴]

۹. اگر آن‌ها بدهکاری دارند و در حیات خود نتوانستند دین خویش را ادا کنند فرزند دین آن‌ها را ادا کند و برای گناهان آن‌ها استغفار نمایند همان‌گونه که در حدیثی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم: «**وَ إِنَّهُ لَيكُونُ عَاقّاً لَهُمَا فِى حَياتِهِمَا غَيرَ بَارٍّ بِهِمَا فَإِذَا مَاتَا قَضَى دَينَهُمَا وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمَا فَيكْتُبُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بَارّاً**؛ گاه فرزند در حیات پدر و مادر عاق آنهاست و نیکی در حق آن‌ها نکرده اما بعد از وفات آن‌ها بدهی آن‌ها را ادا می‌کند و برای آن‌ها استغفار می‌نماید. خدا او را جزء نیکوکاران (نه عاق) محسوب می‌دارد».[۵]

۱۰. یکی دیگر از حقوق مهم پدران و مادران بر فرزندان این است که به‌هنگام ضعف و پیری و ناتوانی که نیاز شدید به کمک و حمایت دارند آن‌ها را

---

۱. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۶.
۲. لقمان، آیهٔ ۱۴.
۳. بقره، آیهٔ ۸۳.
۴. کافی، ج ۲، ص ۱۵۷، ح ۱.
۵. همان، ص ۱۶۳، ح ۲۱.

فراموش نکنند و مشکلات آن‌ها را تا آن‌جا که در توان دارند حل کنند به عکس آنچه در دنیای امروز دیده می‌شود که به محض این‌که پدر و مادر پیر و ناتوان شدند فرزندان از آنان فاصله می‌گیرند و حداکثر کاری که دربارهٔ آن‌ها می‌کنند این است که آن‌ها را به خانه‌های سالمندان می‌سپارند و گاه حتی از این کار نیز خودداری می‌کنند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که یکی از یارانش خدمت آن حضرت رسید و عرض کرد: پدرم بسیار پیر و ناتوان شده به گونه‌ای که برای قضای حاجت باید او را بر دوش بگیریم. امام علیه السلام فرمود: «**إِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَلِيَ ذَلِكَ مِنْهُ فَافْعَلْ وَ لَقِّمْهُ بِيَدِكَ فَإِنَّهُ جُنَّةٌ لَكَ غَداً**؛ اگر توانستی این کار را برای او انجام دهی انجام ده حتی لقمهٔ غذا را با دست خود به دهان او بگذار که این کار سپری است برای تو در فردای قیامت (در برابر آتش دوزخ)».[1]

قرآن مجید نیز اشاره‌ای به این امر دارد آن‌جا که می‌فرماید: «﴿**إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلاً كَرِيماً**﴾؛ هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آن‌ها روا مدار! و بر آن‌ها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آن‌ها بگو! (و مشکلات آن‌ها را حل کن)».[2]

۲. فرزندان بر پدران و مادران چه حقوقی دارند؟

در روایات اسلامی همان‌گونه که موارد فراوانی از حقوق پدران و مادران بر فرزندان ذکر شده موارد زیادی نیز از حقوق فرزندان بر پدران و مادران بیان گردیده است که سه قسمت مهم آن را امام امیرمؤمنان علی علیه السلام در گفتار حکیمانهٔ مورد بحث بیان فرموده است: اسم نیکو نهادن، تربیت خوب و تعلیم قرآن. در

---

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۶۳، ح ۱۳.
۲. اسراء، آیهٔ ۲۳.

روایات، حقوق دیگری نیز ذکر شده ازجمله:

۴. خواندن و نوشتن را به آن‌ها بیاموزند.

۵. شنا و تیراندازی را به آن‌ها تعلیم دهند. (شنا برای جلوگیری از غرق‌شدن و تیراندازی برای جهاد).

۶. غذای حلال به او بدهند.

این سه حق در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «**حَقُّ الوَلَدِ على والِدِهِ أن يُعَلِّمَه الكِتابَةَ وَالسِّباحَةَ والرِّمايةَ وأن لا يَرزُقَه إلّا طَيِّباً**».[1]

۷. به‌هنگام بلوغ (و آمادگی برای ازدواج) وسیلهٔ ازدواج او را فراهم کنند. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که فرمود: یکی از حقوق فرزندان این است که «**يزَوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ**».[2]

۸. نماز (و فرائض دینی) را به آن‌ها بیاموزند (و آن‌ها را به‌تدریج عادت دهند) و هنگامی که بالغ شدند آن‌ها را وادار به نماز کنند. در غررالحکم از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: «**عَلِّموا صِبْيانَكُم الصّلاةَ وخُذوهُم بِها إذا بلَغوا الحُلُمَ**».[3]

۹. عدالت را در میان فرزندان رعایت کنند. در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده که می‌فرماید: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مردی را دید که دو فرزند دارد، یکی را بوسید و دیگری را نبوسید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «**فَهَلّا وَاسَيتَ بَينَهُمَا**؛ چرا میان آن‌ها عدالت را رعایت نکردی؟».[4]

۱۰. به فرزندانشان در کارهای نیک کمک کنند (و آن‌ها را تشویق نمایند). در روایات متعددی که مرحوم محدث نوری در مستدرک الوسائل نقل کرده به این

۱. کنزالعمال، ح ۴۵۳۴۰ (طبق نقل میزان الحکمة).
۲. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۸۰.
۳. غررالحکم، ح ۳۳۴۵.
۴. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۷۴، ح ۹۴.

معنا توصیه شده ازجمله این‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «**رَحِمَ اللّٰهُ وَالِدَینِ أَعَانَا وَلَدَهُمَا عَلَى بِرِّهِمَا**».[1]

* * *

۱. مستدرک، ج ۱۰، ص ۱۶۸، ح ۲.